

Type Identification of Opponents of Proximity of Islamic School of Thought in the Contemporary World

Bahramian, Masoud

Assistant Professor of Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Birjand University, Birjand, Iran.

Article information	ABSTRACT
Article type: Research Paper	Throughout history, various currents and approaches have been formed regarding Islamic rapprochement and unity. In the past, Hashwiyyah and Gholat were considered to be opposing currents of rapprochement, and today, opponents of rapprochement and solidarity in the Islamic world are considered one of the crises of the present era. The following article, with a descriptive-analytical approach and a library collection method, seeks to answer the question of how many groups are the currents and personalities opposing rapprochement in the Islamic world today, and what are their most important anti-rapprochement teachings. The hypothesis of the present study is that these currents are divided into two groups: opponents of rapprochement among Shiites (the current of Sayyid Sadiq Shirazi, Rastegari, Iskandari) and Sunnis (Salafi and its branches, Al-Qaffari, Abdul Muneem Al-Nimr, Sheikh Abdul Aziz bin Abdullah Al-Sheikh Al-Arabisi, etc.); and the majority of the Salafi-Takfiri currents among Sunnis and the Sayyid Sadiq current among Shiites are opponents of rapprochement or the redefinition of the rapprochement project according to their own wishes and opinions.
KEYWORDS: Opponents of Proximity, Islamic World, Salafy, Seyed Sadegh shirazi, Alghaffari	
Received: 2025/10/05 Accepted: 2025/11/12	
*Corresponding author: m.bahramian@birjand.ac.ir	
How to cite this paper: Bahramian, M., (2026). Typology of Propaganda Strategies Against the Explanatory Discourse of the Prophet of Islam (PBUH) in the Quran. Journal of culture and Islamic sciences. 10(5): 141-162.	
DOI:10.22034/rjcis.2025.15414.1166	



سنخ‌شناسی مخالفان تقریب مذاهب اسلامی در جهان معاصر

مسعود بهرامیان

استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>در طول تاریخ جریان‌ها و رویکردهای مختلفی در خصوص تقریب و وحدت اسلامی شکل گرفته است. حشویه و غلات در گذشته از جریان‌های مخالف تقریب محسوب می‌شدند و امروزه مخالفان تقریب و همبستگی جهان اسلام به عنوان یکی از بحران‌های عصر حاضر محسوب می‌شوند مقاله پیش رو با رویکرد توصیفی تحلیلی و با روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای درصدد پاسخ به این سوال است که امروزه در جهان اسلام جریان‌ها و شخصیت‌های مخالف تقریب به چند دسته تقسیم می‌شوند و مهم‌ترین آموزه‌های ضد تقریب آنان چیست. فرضیه پژوهش حاضر این جریان‌ها را به دو دسته مخالفان تقریب در میان شیعیان (سیدصادق شیرازی، رستگاری، اسکندری) و اهل سنت (سلفی و شاخه‌های آن، القفاری، عبدالمنعم النمر، شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل شیخ عربستانی و غیره) تقسیم بندی کرده‌اند؛ اکثریت سلفی تکفیری در اهل سنت و سیدصادق در میان شیعیان از مخالفان تقریب یا بازتعریف پروژه تقریب طبق خواست و نظر خودشان‌اند.</p>	<p>نوع مقاله: علمی پژوهشی</p> <p>واژگان کلیدی: مخالفان تقریب، جهان اسلام، سلفی، سیدصادق شیرازی، القفاری</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۱</p> <p>* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: m.bahramian@birjand.ac.ir</p> <p>ارجاع: بهرامیان، م.، ۱۴۰۴، سنخ‌شناسی مخالفان تقریب مذاهب اسلامی در جهان معاصر، پژوهش‌نامه فرهنگ و معارف دینی، ۱۰(۵)، ۱۶۲-۱۴۱.</p>

مقدمه

در تاریخ اسلام در کنار آموزه‌های وحدت‌آفرین اسلام و ضرورت انسجام اجتماعی، گروه‌ها و افرادی بودند مانند خوارج، عثمانی‌گری و بربهاری، ابن‌بطه و غیره که بر طبل خشونت و تکفیر سایر مسلمانان از مذاهب دیگر می‌کوبیدند. پیامد این اتفاقات جز تفرقه، خونریزی و سلب آرامش و آسایش از جامعه اسلامی چیزی به ارمغان نداشت. در شرایط فعلی امروزه در جهان اسلام، افراد و گروه‌هایی از هر دو مذهب شیعه و اهل سنت مخالف جریان وحدت اسلامی و تقریب یا به عبارتی بازتعریفی از تقریب به گونه‌ای که همه باید پیروی مذهب آن دسته باشند وجود دارند. این پژوهش به معرفی مهم‌ترین جریان‌ها و افراد با محوریت سلفی‌گری می‌پردازد.

۱. پیشینه پژوهش

مقاله «تأثیر بحران پژوهی گروه‌های تکفیری در آینده سیاسی جهان اسلام» از یونس مسعودیان، فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام، سال ۱۰، شماره ۱، سال ۱۴۰۲، فرضیه این مقاله بر خطرناک بودن گروه‌های تکفیری در آینده مسلمانان و کشورهای اسلامی استوار است. مقاله دیگر از حسن بشارتی‌را با عنوان «جریان‌شناسی تقریب مذاهب اسلامی» نشریه جریان‌شناسی دینی معرفتی در عرصه بین‌الملل، شماره ۱، ۱۳۹۲ منتشر گردیده است. در مقاله ۲۸ صفحه‌ای از صفحه ۱۸ به بعد به معرفی مختصر گروه‌های مخالف تقریب با محوریت وهابیت پرداخته است. «زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری جریان‌های سلفی‌تکفیری در جهان اسلام، راهکارهای مواجهه، چشم‌انداز آینده» عنوان مقاله مرتضی بابایی است که در نشریه سیاست‌پژوهی، دوره ۶ سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است. نویسنده به بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری سلفی‌گری در جهان معاصر و راهکارهای مقابله با آن می‌پردازد. مقاله «نگاهی بر وهابیت» اثر طوبی کرمانی است که در شماره ۷۳ نشریه مقالات و بررسی‌ها سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است. این مقاله ابتدا به معرفی محمدبن‌عبدالوهاب می‌پردازد و سپس نظریات او در خصوص توحید، شفاعت و تکفیر مسلمانان از سوی او را بررسی می‌کند.

مقاله «مدارس دیوبندیه نظام آموزشی و پیامدهای اجتماعی فرهنگی» به قلم لیلا هوشنگی است که در شماره ۲ نشریه پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی سال ۱۳۹۱ منتشر گردیده است. تعریف جدید از هویت فردی و اجتماعی مسلمانان هند توسط علمای دیوبندی فرضیه اصلی این مقاله است. مقاله «رویاریوی بریلویه با دیوبندیه در پنجاب پاکستان و تأثیر آن بر اوضاع اجتماعی» اثر قیصر عباس نام اثر دیگری است در خصوص جریانات سلفی هندوستان که در نشریه تاریخ اسلام شماره ۲ سال ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است. سوال اصلی این مقاله چگونگی مقابله فکری عقیدتی بریلویه با دیوبندیه در پنجاب پاکستان و تأثیر آن بر جامعه آن کشور است. مقاله «درآمدی بر جنبش سلفی در مصر، پیش و پس از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱» از سیدمحمد ذوالفقاری است که در

پژوهش‌های منطقه‌ای شماره ۱۰ سال ۱۳۹۲ منتشر شده است. این مقاله به پیشینه سلفی و بسترهای رشد و گسترش آن در مصر پیش و پس از انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ می‌پردازد. نوآوری پژوهش حاضر، نسبت به مقالات مذکور اول در آن است که آنان هیچ‌کدام به موضوع تقریب نپرداخته‌اند؛ در صورتی که پژوهش پیش رو به مسأله بحران تقریب در جهان اسلام در دوره معاصر می‌پردازد و تا حد امکان به دلایل مخالفت مهم‌ترین جریانات مخالف تقریب، اشاره می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی پژوهش

باتوجه به موضوع نوشتار، قبل از تبیین موضوع بحث، ضرورت تعریف اصطلاحات کلیدی و مقصود از آن‌ها به‌طورمختصر تشریح می‌شود.

۱.۲. تقریب

تقریب مفهومی انتزاعی، مشکل و پیچیده است. تقریب بر وزن تفعیل در لغت از واژه «قرب» که ضد بُعد، به معنای نزدیکی زمانی و مکانی است (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۱۱: ۸۲-۸۳) و در اصطلاح نزدیک‌سازی پیروان مذاهب اسلامی به منظور آشنایی با یکدیگر از طریق تحقق همدلی و برادری دینی بر پایه اصول مشترک و مسلم اسلامی است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴: ۱۹۷). مرحوم تسخیری در تعریف تقریب می‌نویسد: «تقریب روند تفاهم و نزدیکی و نفی همه عناصر تحریفی و قرار دادن هر چیز در جای طبیعی خود است» (تسخیری، ۱۳۹۱: ۶۳). آصف محسنی، از علمای فقید افغانستان، تقریب را همکاری در ترویج و حفظ مشترکات دینی و معذور دانستن همدیگر در مورد اختلافات، روی اصل: للمصیب اجران و للمخطیء اجر واحد و برادری و دوستی به عنوان مسلمان روی اصل «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» در زندگانی اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و عدم توهین به پیشوایان و اصول مذهبی سایر مذاهب اسلامی می‌داند (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

دکتر مصطفی الشکعه: «تقریب دعوتی است به پاکسازی مذاهب از آلودگی‌هایی که توسط تعصبات و نعره‌های طائفه‌ای ایجاد شده و شعله‌ور شده است». علامه محمد عبدالله المحامی: «تقریب یک گرایش درون اسلام است که کاملاً از رنگ طایفه‌ای یا منطقه‌ای خالی است، به منظور رهایی از دشمنی متقابل بین اهل مذاهب اسلامی مختلف و حفظ وحدت مسلمانان (زقاقی، ۲۰۰۸: ۲۶۴-۲۶۵). موثقی تقریب را به معنای نزدیک شدن دیدگاه‌های علما و مراجع و پیروان مذاهب اسلامی می‌داند (مصاحبه نویسنده با موثقی: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵). تعریف مورد نظر نزدیک‌سازی اندیشه‌ها، عقاید و افکار پیروان مذاهب اسلامی، جهت زدودن خرافات، جهل، تعصبات و گشودن باب گفت‌وگو برای نیل به زیست مسالمت‌آمیز در راستای کاهش آلام بشری و رشد همه‌جانبه افراد مسلمان است. از تعاریف فوق از تقریب اینگونه برداشت می‌شود که نخست تقریب به معنی نزدیکی مذاهب نیست.

مذاهب امری ذهنی‌انتزاعی است. بلکه نزدیکی پیروان مذاهب اسلامی و همه انسان‌ها به عنوان امر واقع است. دوم تقریب به دنبال همسو کردن مذاهب با یکدیگر یا ادغام آنان با یکدیگر نیست، بلکه همکاری در عرصه‌های مشترک و بازرنگری در موارد اختلافی به منظور تحقق توافق، تعاون در جامعه‌ای مبتنی بر زیست مسالمت‌آمیز است. تقریب یعنی احیای اصل قرآنی اخوت و رفع موانع ساختگی روانی وحدت در میان مسلمانان است.

۲.۲. جهان اسلام

جهان اسلام اصطلاحی است برای اشاره به سرزمین‌هایی که دین اکثریت آنان اسلام است یا قانون اسلامی در آن کشورها جاری است. محدوده جغرافیایی آن از اندونزی در شرق آسیا شروع می‌شود و در امتداد سواحل اقیانوس هند به سمت خلیج فارس امتداد می‌یابد. سپس به سمت جنوب به تانزانیا کشیده شده و از آن‌جا به سمت غرب آفریقا و از طریق سودان به نیجریه می‌رسد. پس از سواحل اقیانوس اطلس به ساحل دریای مدیترانه امتداد یافته و این خط از شمال آفریقا از طریق دریای مدیترانه به سمت شرق ادامه می‌یابد و به تنگه بسفر در دهانه دریای سیاه می‌رسد و از آن‌جا به مرزهای شمال قزاقستان و آن‌گاه دوباره از طریق غرب چین و بخش‌هایی از هند به سمت جنوب ادامه می‌یابد و در انتها با دور زدن برونئی به نقطه شروع خود ختم می‌شود (ایزدی، ۱۴۰۱: ۳۸-۳۹).

۳. عوامل تقریب پیروان مذاهب اسلامی

عوامل تقریب در جهان اسلام به لحاظ معرفت‌شناسی در سه حوزه درون‌دینی، برون‌دینی و اخلاقی قابل تبیین است. در حوزه درون‌دینی می‌توان به این موارد اشاره کرد: خدای واحد، قبله و پیامبر مشترک، آموزه‌های قرآنی (آل عمران: ۱۰۳؛ حجرات: ۱۳، انبیاء: ۹۲)، سنت نبوی و پیشوایان دینی، پیامبر کسی را که به اندازه یک وجب از جماعت مسلمانان کناره بگیرد و در آن حال بمیرد، مرگش را در حال جاهلیت می‌خواند: «من فارق الجماعه شبراً فمیتته جاهلیه» (بخاری، ۱۳۸۲، باب فتن)؛ همچنین نگاه همزیستی مسالمت‌آمیز علی^(ع) در سفارش خود به مالک اشتر نمود عینی دارد. ایشان در این سفارش می‌گوید: «قلبت را جایگاه رحمت و خوش‌رویی و مهر و محبت و نیکی با مردم قرار ده... چه اینان از دو دسته بیرون نیستند، یا مسلمان‌اند و برادر دینی تو هستند یا غیر مسلمان‌اند و با تو در آفرینش برادر و هم نوع‌اند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). همچنین می‌توان به حب اهل بیت^(ع)، احترام به صحابه، احکام دینی واحد مانند نماز، روزه، حج و غیره و فرهنگ و تمدن اسلامی اشاره کرد.

در حوزه برون‌دینی می‌توان به مدنی بالطبع بودن انسان، زیست مسالمت‌آمیز با رعایت اصول و لوازم آن مانند (اصل برابری انسان‌ها، تعاون و همکاری، سبقت در امر خیر، اعتدال، عفو و گذشت، ممکن‌الخطا بودن انسان‌ها،

کرامت ذاتی انسان‌ها، پذیرفتن دیگری در کنار خود، خود را جای دیگران گذاشتن سعه صدر، جامع‌نگری و فرایندی دیدن انسان‌ها، ادب اختلاف)، سرزمین مشترک، منافع و مصالح مشترک (وجود دشمن مشترک مانند رژیم صهیونیستی امروزه می‌تواند به عنوان مهم‌ترین عامل تقریب و وحدت مسلمانان باشد)، قاعده زرین و اخلاق جهانی نام برد.

۴. تشیع

شایسته است قبل از پرداختن به مهم‌ترین جریان‌ات ضد تقریب در شیعه، به ریشه‌شناسی و عوامل پیدایش آن هرچند مختصر پردازیم و برای اطلاعات تکمیلی، خوانندگان را به کتاب‌هایی در این زمینه نوشته شده است راهنمایی کنیم. از مهم‌ترین دلایل ایجاد رویکرد افراط‌گرایی در شیعه می‌توان به فهم ناصحیح از متون دینی، نقش حاکمان در ایجاد و تشدید افراط‌گرایی، فقر اقتصادی، تأثیر گروه‌های عقل‌گریز و عقل‌ستیز مانند اخباری‌گری فقهی، کلامی، اخلاقی، وجود متون ضعیف و نامعتبر، تأثیر غلو و غالیان و تعصب با ابعاد گوناگون آن اشاره کرد. از مهم‌ترین انگیزه‌های مخالفت تقریب در برخی اندیشمندان شیعه، می‌توان موارد زیر را بیان کرد:

مانعی برای تبلیغ تشیع: اهل سنت از دیرباز بر این باور بوده‌اند که باید تبلیغات شیعیان را بی‌رنگ کنند و حتی المقدور اجازه تبلیغ به آن‌ها ندهند. برای رسیدن به چنین منظوری اندیشه تقریب را مطرح کردند تا اختلافات میان خودشان را کم و در عین حال از تبلیغ شیعیان جلوگیری کنند.

حیله‌ای برای خلط حق و باطل: وحدت و نزدیکی میان شیعیان و اهل سنت مستلزم آن است که شیعیان در بسیاری از مسائل کوتاه آمده و حرف‌های حق شیعیان با باورهای باطل دیگران در هم بیامیزند و خلط شوند و در نتیجه آرام‌آرام حق در زیر سلطه باطل محو و نابود شود. از این روی چنین شعاری پذیرفتنی نیست.

وجود اختلافات تاریخی: برخی شیعیان عدم موافقت با تقریب و اهل سنت را در اختلافات فقهی، تاریخی و کلامی می‌دانند. به زعم آنان ریشه‌دار بودن این موارد آن‌گونه نیست که بتوانند با تقریب همسازی نشان دهند.

۱.۴. شیعه انگلیسی

محور گروه ضد تقریب و تکفیری در شیعه، بیت «سیدصادق شیرازی» است. این گروه با اهانت به مقدسات اهل سنت و تشویق هواداران به سب و فحاشی علیه سه خلیفه راشدین و ام‌المؤمنین عایشه، به احساسات مذهبی اهل سنت علیه شیعه دامن می‌زنند. در مقابل بزرگداشت «هفته وحدت» که از ۱۲-۱۷ ربیع‌الاول است، ایام ۹-۱۵ ربیع‌الاول را «هفته برائت» نامیده‌اند. بیت سیدصادق شیرازی به تندروی و اختلاف‌افکنی بین شیعیان و اهل سنت مشهور است. امروزه علاوه بر ایران و عراق در پاکستان نیز طرفدارانی دارد. مراسمات قمه‌زنی و لعن علنی به صحابه در میان شیعیان پاکستان از دلایل نفوذ بیت سیدصادق شیرازی و دیگر گروه‌های تندرو در آن کشور است. این جریان با دارا بودن سایت‌های اینترنتی مانند «عقاید شیعه»، «حرم امام حسین»، شبکه‌های ماهواره‌ای

«امام حسین»، «فدک»، «مرجعیت»، «بقیع»، «ابوالفضل العباس»، «الانوار»، «خدیجه»، «الزهر»، «المهدی»، ۱۰۰۰ مؤسسه مذهبی و هیئت‌هایی در این زمینه در مسیر جریان ضد تقریب فعالیت می‌کند (میرتبار و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۲۳).

یاسر الحیب داماد سیدصادق در لندن مدیریت شبکه فدک را دارد. یاسر الحیب در ۱۷ ماه رمضان کتاب، «الفاحشه» را در ذم ام المؤمنین عایشه نوشت که بازخوردهای خوبی در جهان اسلام به دنبال نداشت. تکفیر مرحوم آیت‌الله بهجت^(ره) از سوی سیدمجتبی شیرازی به جرم اعتقاد به وحدت، تحصیل فلسفه نزد آیت‌الله قاضی نمونه‌ای از تقریب ستیزی این جریان است. بیت سیدصادق با چشم‌پوشی از آموزه‌های قرآنی و سخنان و سیره پیشوایان دینی که بر وحدت امت اسلامی تأکید دارند به مقدسات اهل سنت توهین می‌کنند. اما غافل از این امرند که با این سخنان و اقدامات خود نه تنها باعث تفرقه‌افکنی میان مسلمانان می‌شوند؛ بلکه باعث انزجار و اختلاف میان جامعه شیعیان و بد جلوه دادن این مذهب در میان جهانیان می‌گردند. علما و دانشگاهیان شیعه جهت مهار این رویکرد می‌بایست با برگزاری جلسات و نشست‌های علمی در راستای تبیین مذهب تشیع و شناساندن آن به اهل سنت و دیگر ادیان، برگزاری کارگاه‌ها و همایش‌های علمی اقدامات آنان را خنثی سازند و چهره رحمانی شیعه را به همگان بنمایند.

۲.۴. ذاکرین پاکستان

ذاکرین پاکستان میراث مکتب لکنو هندوستان‌اند. این مکتب اولین نهاد رسمی و منسجم روحانیت شیعی در هندوستان است. تأسیس مدارس الواعظین، سلطان المدارس و ناظمیه از مهم‌ترین اقدامات این مکتب بود. فضیلت‌گویی، مناظره و ضد تقریبی بودن وجه مشخصه این مکتب است (عارفی، ۱۳۸۵: ۲۲۰-۲۲۲). امروزه ذاکرین پاکستان متشکل از دو طیف تحصیل کرده نجف و غیرتحصیل کرده ولی مسلط به فن خطابه‌اند که البته طیف دوم غلبه دارد و بیشتر حسینیه‌های پاکستان را در اختیار دارند. سطحی‌نگری، عوام‌فریبی و ضد روحانیت تحصیل کرده از ذکر فضایل اهل بیت و طرفداری از مسائل اختلافی شیعه و سنی وجه بارز آنان است. «آصف رضا علوی» یکی از ذاکرین پاکستان و ساکن انگلستان است که با بیت شیرازی در تعامل است. صحبت‌های جنجالی او منجر به تظاهرات ضد شیعی در پاکستان و مجروح و کشته شدن تعدادی از شیعیان گردید. در چهارم محرم سال ۱۴۴۲ق آصف رضا علوی در خطابه‌ای ماجرای فدک و حضرت زهرا(س) را به میان کشید که البته واکنشی بود به صحبت‌های یکی از علمای اهل سنت که چندی قبل کار حضرت زهرا را در طلب فدک العیاذ بالله نادرست انگاشته بود. جناب ذاکر هم در همین خطابه منکرین حق فدک را کافر و خارج از دین قلمداد می‌کند (<https://www.hawzahnews.com/news/919695>).

۳.۴. افراد مستقل

در مورد تقریب مذاهب اسلامی افرادی در حوزه‌های علمیه یا مراکز دانشگاهی با گفتار، نوشتار، مصاحبه و

غیره به مخالفت با تقریب مذاهب اسلامی پرداخته‌اند که در ادامه به نظریات این افراد اشاره می‌شود. میر سیداحمد روضاتی، از مخالفان تقریب در عصر حاضر است. کتاب او با عنوان «گفتگوی یک دانشمند شیعی با یک عالم سنی» در سال ۱۳۴۶ش در تهران منتشر گردید. روضاتی در این کتاب هدف تقریب را از افکار اهل سنت می‌داند که برای جلوگیری کردن از افکار شیعیان به وجود آمده است. او امام شافعی را نخستین فردی می‌داند که در این زمینه قدم برداشته است (روضاتی، ۱۳۸۷: ۲۷). به نظر می‌رسد روضاتی با آوردن استنادات تاریخی سعی کرده است هدف تقریب را ترویج اندیشه‌های اهل سنت در جوامع شیعه معرفی نماید. به عبارتی می‌توان «وحدت المذاهب» را محور گفتمانی او دانست. وحدتی که شیعیان با طرح پروژه تقریب مذاهب در جامعه اهل سنت مستحیل خواهند شد. اما این اندیشه روضاتی با گزاره‌های تاریخی و به‌خصوص تلاش‌های علامه قمی در راه اندازی دارالتقریب مصر صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چرا که طرح تأسیس دارالتقریب مصر، از سوی یک فقیه شیعی، نه اهل سنت مطرح شد.

یعیسوب‌الدین رستگار جویباری از دیگر شخصیت‌های مخالف تقریب است. رستگاری در کتاب «حقیقت وحدت در دین و حکمت عید الزهرا» که اندیشه‌های ضد تقریب خود در آن منعکس است می‌نویسد: «شعار بی شعور هفته وحدت بین شیعه و سنی و تقریب ادیان و مذاهب و... که در مملکت حضرت صاحب الزمان داده می‌شود و عامه مردم از حقیقت این امر ناآگاه‌اند، این یک نقشه شیطانی برای خلط بین حق و باطل و تضعیف حق و تقویت باطل و سرانجام با نابودی حق منتهی می‌گردد می‌باشد» (رستگار جویباری، بی‌تا: ۷۴). مصطفی اسکندری یکی دیگر از افراد مخالف تقریب است. او با نگارش کتاب «بازخوانی پرونده تقریب» به ارائه دیدگاه‌های خود در این زمینه می‌پردازد. کتاب از نُه فصل تشکیل شده است. اگر خواسته باشیم نظر اسکندری در این کتاب را خلاصه کنیم می‌توان گفت که نویسنده تقریب را با خوانش انحصارگرایانه یعنی محوریت اهل بیت قبول دارد و دیگران را باطل می‌داند. او می‌نویسد: «تفرقه مولود عدم تمسک به حبل‌الله یعنی اهل بیت است» (اسکندری، ۱۴۰۱: ۵۸).

۵. اهل سنت

مهم‌ترین دلایل مخالفان تقریب اسلامی از جامعه اهل سنت عبارت است از:

- مذهب تشیع خارج از اسلام است و آن بیشتر زائیده تفکرات قوم یهود (کتاب منهاج السنه ابن تیمیه یکی از مصادر این تفکر است) و زرتشتیان معرفی می‌کنند؛

- پدیده غلو در تشیعه: مخالفان شیعه در طول تاریخ همواره به غلو و اندیشه‌های آن مانند رجعت، بداء، حلول و تناسخ خرده می‌گرفتند و آن را جزو گروه‌های شیعه قلمداد می‌کردند. در صورتی که همواره بزرگان شیعه موضع خود را نسبت غلو مشخص کرده و آنان را خارج از اسلام می‌دانستند؛

- ادعای سب صحابه توسط شیعیان: سب و ناسزا نسبت به یاران رسول خدا(ص) از سوی شیعیان افراطی همواره دست مایه‌ای برای مخالفان شیعه در طول تاریخ بود. اینان معتقد بودند همه شیعیان صحابه را سب می‌کنند در صورتی که اینگونه نیست؛

- مهدویت: مخالفان شیعه بحث «مهدویت» را وام گرفته از اندیشه‌های غیراسلامی و به‌ویژه ایرانی می‌دانستند؛
- تحریف قرآن: برخی مخالفان شیعه معتقدند که شیعه قرآنی که امروزه در جهان اسلام مرسوم است قبول ندارند و آن را تحریف شده می‌دانند و خود قرآنی دیگر دارند یا برخی دیگر بر آن بودند که شیعه نزد خود قرآنی دارد که تحریف شده است؛

- تقیه: مخالفان شیعه معتقدند این فرقه در جاهایی برای حفظ جان و ثروت خود از ابراز عقیده و نظر خود طفره می‌رفته است؛

- شیعه هراسی.

در حقیقت کج فهمی‌ها و سوءبرداشت‌ها علت اصلی مخالفت‌های آنان است. نه تنها تشیع مذهبی بدعت آمیز محسوب نمی‌شود؛ بلکه مولود طبیعی اسلام است. شیعه، اسلام خود را از خاندان وحی دریافت کرده است. حال در طول تاریخ افراد یا گروه‌هایی با اندیشه‌هایی افراط‌گونه خود را به شیعه منسوب کرده‌اند با اصل مذهب تشیع چه ارتباطی دارند؟! به نظر می‌رسد متن فتوای شیخ شلتوت، رئیس فقید دانشگاه الازهر مصر، در به رسمیت شناختن مذهب تشیع ادله‌ای محکم بر این سخن باشد: «به درستی که اسلام هیچ یک از پیروان خود را ملزم به پیروی از مذهب معینی نکرده است، بلکه ما می‌گوییم هر مسلمانی حق دارد در آغاز هر کاری از هر مذهبی از مذاهب که به طور صحیح نقل شده و احکام آن در کتاب‌های مخصوص به آن مذهب مدون شده، پیروی نماید و کسی که مقلد یکی از این مذاهب باشد می‌تواند به مذهب دیگری (هر مذهبی باشد) منتقل گردد. در این مورد ممنوعیتی برای او نیست. مذهب جعفری معروف به مذهب شیعه امامی اثنی‌عشری، مذهبی است که شرعاً پیروی از آن مثل سایر مذاهب اهل سنت مجاز است» (آذرشب، ۱۳۸۴: ۲۰۳-۲۰۴). در ادامه به مهم‌ترین گروه‌ها و اشخاص مخالف تقریب در اهل سنت اشاره می‌شود.

۱.۵. سلفیه

همزمان با سلفی وهابی نجدی؛ سلفی‌گری در هند و سپس مصر نضج گرفت و پیروانی یافت. در هند «شاه ولی‌الله دهلوی» (م ۱۱۷۶ق) به تبلیغ سلفی‌گری پرداخت. سلفیه‌ای نص‌گرا «سلفیه‌ای وهابی» که پیروان محمدبن عبدالوهاب

بودند، معتقدند تنها باید به ظواهر قرآن و سنت پایبند بود و هرگونه اجتهاد را بدعت قلمداد می‌کنند. در خصوص ماهیت مکتب سلفی کتب بسیاری نوشته شده است. قصد نوشته حاضر توضیح آنان نمی‌باشد، اما جهت آشنایی با سلفیه توضیح مختصری ارائه می‌شود. سلفیه معاصر و قبل از آنان اصحاب حدیث و حشویه، به عنوان آباء معنوی این مکتب فکری جدید، خوانشی انحصارطلبانه از اسلام دارند. اینان مدعی اسلام راستین‌اند و باور دیگر مسلمانان که مطابق عقاید و باورهای آنان نیست را مشرک و حتی بالاتر از آن کفر^۱ می‌دانند. محمدبن عبدالوهاب (۱۱۱۵-۱۲۰۶ ق) خود را سلفی و ادامه‌دهنده راه احمدبن حنبل و ابن تیمیه می‌نامید. اندیشه سلفی توسط دو استاد محمدبن عبدالوهاب به نام‌های شیخ عبدالله بن ابراهیم نجدی و محمد حیاہ سندی در مدینه در او زنده و تقویت شد (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۵۹). او مسلمانان نجد را مشرک، کافر، مرتد، منافق، دشمن توحید، شیطان می‌نامید (عبدالوهاب، ۱۴۱۳: ۲۳). محمدبن وهاب با نگارش کتاب «التوحید» مسلمانان را به خاطر زیارت قبور و توسل، مشرک و حکم تکفیر آنان را صادر کرد. پیمان او با حاکم درعیه، محمد بن سعود در سال ۱۱۵۷ق این جنبش وهابی سلفی را با سیاست سعودی پیوند زد.

با مرگ محمدبن عبدالوهاب در سال ۱۲۰۶ق رهبری دینی و سیاسی به عبدالعزیزبن سعود رسید. نیروهای آل سعود بعد از حملات نظامی در منطقه شبه جزیره عربستان، در سال ۱۲۱۶ق کربلا را مورد حمله و غارت قرار دادند. این حمله، تهدیدی برای دولت عثمانی بود. سلطان عثمانی، محمد علی پاشا، حاکم مصر را در سال ۱۲۲۶ق مأمور دفع آل سعود و سرکوب آنان نمود. خدیو مصر بعد از غلبه بر عربستان آن‌جا را یکی از استان‌های مصر قرار داد. بعد از یک فطرت محدود در قدرت آل سعود، آنان در سال ۱۳۱۹ق به نجد حمله کردند و با کمک دولت بریتانیا زمینه‌های تشکیل حکومت عربستان سعودی را فراهم آوردند. تا سال ۱۳۴۳ق آل سعود توانست اکثر شهرهای حجاز را به تصرف خود درآورد و بعد از مدتی، جنبش سلفی تکفیری وهابی به عنوان قدیمی‌ترین گروه سلفی معاصر بر قدرت سیاسی حجاز تکیه زد.

۲.۵. سلفی در جهان اسلام عصر حاضر

دو برداشت از سلف بین گروه‌های سلفیه معاصر وجود دارد. گاهی منظور از سلف بازگشت به فهم و برداشت سلف از اسلام است که گروه‌های سلفی تکفیری وهابی عربستان، یمن و هند در این شاخه قرار می‌گیرند و گاهی منظور از سلف نه بازگشت به فهم سلف از اسلام، بلکه رفتار و اقدام سلف مد نظر آنان است. سیدجمال و عبده ذیل این شاخه قرار می‌گیرند. اینان عمل سلف را الگوی خود قرار می‌دهند. به نوعی آنان «سلف

۱. تکفیر به معنای نسبت دادن کفر به مسلمانان و افراط‌گرایی همان عدم تحمل دیگران و دیدگاه‌های دیگران نسبت به نظر خود است (سرلک، ۱۴۰۰؛

عمل‌گرا» محسوب می‌شوند و وهابیان «سلف فهم‌گرا» معرفی می‌شوند. به عبارتی دیگر مفهوم سلف را باید این-گونه برداشت کرد که رجوع به اصول، قواعد و معیارهای فهم دین در سه قرن اول (بوطی، ۱۳۷۵: ۲۳).

۱.۲.۵. وهابی «نص‌گرا-تکفیری»

گروه‌های سلفی امروزه در یک تقسیم‌بندی کلی به چهار گروه تقسیم می‌شوند: سلفیه‌ای تکفیری، ستیزه‌جو، دیوبندی و اعتدالی. البته باید دانست به جز قشر اندکی از وهابیان معتدل عربستان، دیوبندی و شاخه‌ای از اخوان؛ عمده سلفیه گرایش تکفیری دارند که نمونه جدید آنان سپاه صحابه پاکستان، داعش، جیش النصره، القاعده و طالبان‌اند (میرتبار، ۱۳۹۶: ۱۱۶). وهابیان خود را محور اصلی تفکر سلفی قلمداد کرده، ضمن دوری از وهابی‌نمیدن خود، بر سلفی بودن اصرار دارند و سعی دارند سایر جریان‌های سلفی را با محور خویش مدیریت نمایند (پورامینی، ۱۳۹۵: ۳۵). دوری از عقل و عقل‌ستیزی یکی از شاخصه‌های سلفیه وهابی است.

سلفی وهابی تندروترین گروه سلفی‌اند و نگاه مثبتی به تقریب ندارند. علت این مخالفت را می‌توان این موارد برشمرد: بدعت دانستن مذهب شیعه (قفاری، بی‌تا، ج ۵: ۱-۱۱). عدم اعتقاد شیعه به خلافت شیخین، اعتقاد به عقل به مثابه یکی از مصادر شریعت و دین؛ توهین به صحابه، عدم رعایت اخلاق توسط برخی شیعیان در برخورد با گروه‌های مخالف. ذکر این نکته ضروری است که شیعه با تمسک به علی (ع) و بیعت ایشان با شیخین [ابوبکر و عمر] به نوعی آنان را خلیفه رسول خدا (ص) می‌دانند؛ هرچند نقدهای جدی بر عملکرد آنان وارد است اما شیعه معتدل و پیرو حقیقی اهل بیت (ع) لب به اعتراض و فحاشی صحابه نمی‌گشاید. ابن جبرین از علمای وهابی عربستان یکی از علل تکفیر شیعیان را غلو نسبت به علی (ع) و اهل بیت رسول خدا (ص) می‌داند. او معتقد است شیعیان امامان خود را به مانند خدا تکریم و تعظیم می‌کنند در مقابل مقبره آنان خضوع و خشوع می‌کنند در صورتی که خضوع و خشوع تنها برای خدا است؛ سپس نتیجه می‌گیرد که آنان مشرک‌اند (ابن جبرین، بی‌تا، ج ۶: ۱۳).

در کنار جریان‌های متعدد سلفی وهابی می‌توان از وهابی‌دربار (ملکیه)، سروری منتسب به محمد سرور زین‌العابدین؛ جهیمان معتقدان به اندیشه‌های محمدبن عبدالوهاب، قُطبی طرفداران سیدقطب و مخالف وهابی‌درباری و تکفیری، جهادی، این جریانی منشعب از وهابی قطبی، پایبندی به اندیشه‌های اشخاص سلفی مانند ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب و اندیشه‌های جهادی سیدقطب زمینه‌های تشکیل این بود نماد اصلی این رویکرد در القاعده با رهبری اسامه‌بن‌لادن، ابومحمد المقدسی، ابومصعب زرقاوی و داعش می‌باشند، نام برد.

وجه مشترک آنان مخالفت با تشیع و قرائت انحصارگرایانه تقریب است. بن‌باز، از مفتیان معاصر وهابی عربستان در خصوص تقریب می‌گوید: «تقریب میان شیعه و اهل سنت ممکن نیست، زیرا عقاید این دو با یکدیگر سازگاری ندارد و همبستگی میان آنان امکان‌پذیر نیست. همان‌گونه که نمی‌شود یهود، نصاری و بت‌پرستان را با اهل سنت در یک‌جا جمع کرد و تقریب ایجاد کرد، همچنین به سبب اختلاف اعتقادی که میان

شیعه و اهل هست تقریب میان آنان امکان‌پذیر نیست» (بن باز، بی‌تا، ج ۵: ۱۵۶). وحدت مد نظر وهابیت آن است که دیگر مسلمانان به مذهب آنان گرایش پیدا کنند (توحید المذاهب).

۲.۲.۵. افغان العرب «القاعده = قاعده الجهاد»

از مهم‌ترین دلایل مخالفت القاعده با شیعیان و به طور کلی پروژه تقریب را می‌توان در اندیشه‌های ابن تیمیه، مشروع ندانستن مذهب شیعه، تکفیر این مذهب از سوی علمای اهل سنت، اتفاقاً علمای معتدل و منصف اهل سنت در تاریخ با علمای شیعی روابط خوب و حسنه ای داشتند، در طول تاریخ، تکفیر همراه با مسائل سیاسی ملاحظه کرد. با شکل‌گیری دولت وهابی در عربستان و سلفی انقلابی جهادی در شمال آفریقا متأثر از اندیشه‌های سیدقطب، از یکسو و حمله شوروی به کشور افغانستان در سال (۱۹۷۹م) از سوی دیگر، جوانان تندرو و متأثر از اندیشه‌های جهادی سیدقطب، راهی افغانستان شدند. اینان نام «افغان العرب» بر خود گذاشتند و هدفشان آزادسازی سرزمین اسلام از دست کفار و برپایی حکومت اسلامی بود. از رهبران اصلی حرکت جهادی افغان العرب می‌توان به «عبداله عزام ۱۹۴۱-۱۹۸۹م» و «اسامه بن محمد بن عوض بن لادن ۱۹۵۷-۲۰۱۱م» اشاره کرد.

نیروهای افغان العرب حکومت کشورهای عربی را جاهلی و برپایی حکومت اسلامی را از اهم وظایف خود می‌دانستند. امر به معروف و نهی از منکر را بدون اذن حاکم جائز و جهاد را تنها راه تغییر حکومت‌های غیر اسلامی می‌دانستند. بعد از آزادسازی افغانستان از دست شوروی و با بازگشت تعدادی از نیروهای افغان العرب به کشورهای خود، تعدادی از آنان در افغانستان ماندند و گرایش «سلفی جهادی» را نمایندگی کردند. در این برهه زمانی اسامه بن لادن، ایمن الظواهری، رفاعی طه، زرقاوی و افراد مبارز دیگر از سران معنوی و نظامی این جریان محسوب می‌شدند.

ایده جهاد و انقلاب با سلفی‌گری و تکفیر در افغانستان و با کمک‌های مالی عربستان ادغام شد و از درون آن، تفکر سلفی جهادی تکفیری سر برآورد. عبدالله عزام از علمای سلفی و رهبران جهادی در جنگ افغانستان که از او به عنوان پدر معنوی القاعده یاد می‌شود، تأکید می‌کند به نظر وی یک فهم نادرست از کلمه جهاد در میان مسلمانان شکل گرفته که فکر می‌کنند جهاد هر نوع تلاش در راه خدا است و آن را به سحرخیز بودن، خواندن خطبه، سخنرانی یا خدمت به خانواده و پدر و مادر تفسیر می‌کنند؛ در حالی که جهاد تنها به معنی قتال است. لذا از این منظر جهاد با شمشیر یعنی جنگیدن در راه خداوند و فقط هنگامی فی سبیل الله است در حقیقت جهاد است (علی پور گرجی، ۱۳۹۷: ۱۶۷). جهاد از نگاه القاعده بر همه واجب است و در این امر اجازه گرفتن شرط نیست. این نوع تفسیر از جهاد با هیچ نوع تفسیر از جهاد در منابع متقدم اسلامی (شیعه و اهل سنت) سازگار نیست. القاعده با این نوع تفسیر از جهاد، اقدامات خود علیه مخالفان خود و به خصوص شیعیان را مشروعیت می‌بخشد و این موضوع یکی از موارد تعارض آنان با اسلام است.

اعضای القاعده بیشتر از جنبش اسلامی ازبکستان، جهاد اسلامی مصر، مجاهدان اسلامی لیبی، جنبش اسلامی ترکستان شرقی و قوم پشتون‌اند. القاعده علاوه بر نیروهای آشکار، دارای ارتش مخفی به نام لشکر الظل نیز بود. ایدئولوژی القاعده ترکیبی از دیوبندیه، قومیت پشتون، وهابی، تکفیر، جهاد، بیگانه و شیعه ستیزی و تشکیل امارت اسلامی است. مهم‌ترین اقدام آنان حمله به برج‌های دوقلو در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م آمریکا بود که نتیجه‌ای جز اشغال افغانستان توسط آمریکا به دنبال نداشت.

ایجاد گروه‌های تکفیری مانند القاعده در جهان اسلام جزء بحران‌هایی هستند که با برنامه‌ریزی‌های دقیق گذشته توسط جاهلان داخلی و دشمنان خارجی روند کشورهای اسلامی را با نزاع‌های فرقه‌ای قومیتی به انحراف کشانند. حال اگر کشورها و امت‌های جهان اسلام بدون در نظر گرفتن آموزه‌های دینی مبتنی بر حفظ وحدت اسلامی دنباله رو سخنان آنان روند جهان اسلام چیزی جز تفرقه و اختلاف و دوری از کاروان علم و دانش به ارمغان نخواهد داشت و بحران‌های مختلفی برای سیاستمداران و مردم خاورمیانه در پی خواهد آورد.

۳.۲.۵. سلفیه هند

از مهم‌ترین دلایل مخالفت سلفیه هند با تقریب می‌توان به تأثیر پذیری آنان از وهابیان مانند زیارت قبور، احترام به قبور، نذر برای مردگان (موثقی، ۱۳۸۶: ۲۷۶) تفکرات ضد شیعه خاندان شاه ولی‌الله دهلوی، شفاعت، توسل، تقیه، تحریف قرآن، عصمت ائمه، مهدویت، غیبت امام زمان (عج) و مصحف فاطمه زهرا (س) است. سلفیه هند متأثر از اندیشه‌ها و آثار «قطب‌الدین احمد بن عبدالرحیم» معروف به شاه ولی‌الله دهلوی و پسر او «عبدالعزیز دهلوی» است. شاه ولی‌الله با تألیف کتاب، «الانصاف فی بیان سبب الاختلاف» در صدد وحدت فرق اسلامی به غیر از تشیع در هند برآمد و با کتاب «حجه‌الله البالغه» اسلام را با برهان به جامعه امروزی معرفی کرد و با نگارش کتاب «ازاله الخفا» دشمنی و کینه خود نسبت به تشیع را اعلام و باعث تفرقه هرچه بیشتر مسلمانان اهل سنت و شیعه گردید. از جمله اتهامات دهلوی به شیعه آن بود که این فرقه به اشخاص، نه آرمان‌های اسلام وفادار است و برخی عقاید و آداب مذهبی آن منشأ غیر اسلامی دارد (موثقی، ۱۳۸۶: ۱۹۹). عبدالعزیز دهلوی نیز در کتاب «تحفه اثنی عشریه» شدیدتر از پدرش، نسبت به شیعیان نظرات ضد تقریبی و پرخاشگرانه‌ای دارد.

دهلوی حدیث‌گرایی را در هندوستان ترویج کرد. اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه او به دلیل تعلق داشتن به تصوف نقشبندیه، رنگ صوفیانه گرفت و به این خاطر حوزه نظر او با وهابیت متفاوت و انعطاف‌پذیری بیشتری داشت. شفاعت، توسل به غیر خدا، نذر کردن برای غیر خدا، سوگند به نام‌های غیر خدا از نظر او حرام و همگی شرک است (دهلوی، ۱۴۳۱، ج ۱: ۲۲۰). جنبش شاه ولی‌الله دهلوی در ابتدا، جنبشی فکری اصلاحی بود ولی در دوره شاه عبدالعزیز (۱۷۴۶-۱۸۲۴م) و شاه اسماعیل (۱۷۸۱-۱۸۳۱م) تبدیل به جنبشی اجتماعی سیاسی شد و علیه سلطه انگلستان موضع گرفت (موثقی، ۱۳۸۶: ۱۹۴). سید احمد بارلوی (۱۷۸۶-۱۸۳۱م) جانشین شاه عبدالعزیز، فعالیت

اصلاح‌طلبانه مذهبی خود را در ایالات آترپرداش، بهار و بنگال آغاز کرد و طی سفر سه ساله به مکه هنگام بازگشت در سال ۱۸۲۴م برنامه مذهبی خود را با سه محور اعتقاد به خدای یگانه، برچیدن چندگانه پرستی و حذف تشیع و صوفی‌گری مرقدگرا از صحنه روزگار آغاز کرد (لاپیدوس، ۱۳۸۱: ۹۹۹).

از درون تفکرات و عقاید شاه ولی‌الله دهلوی «سلفیه صوفی دیوبندی» و سازمان «جماعه التبلیغ» سربرآورد. مسلمانان هند بعد از شکست در قیام ۱۸۵۷م مقابل انگلستان دارای گرایش‌های مختلفی شدند. برخی از آنان جهاد را ترک و سلطه بریتانیا بر هند را پذیرفتند و معتقد به کارهای آموزشی و فرهنگی شدند. گرایش دوم متعلق به بنیان دانشکده مدرسه دئو باند (دیوبندیه) در هند شمالی و بنگال در سال ۱۸۶۷م اند «مولانا محمد قاسم نانوتوی» مؤسس این مدرسه به نوعی آموزش علوم سلفی با رویکرد صوفیانه داشت (لاپیدوس، ۱۳۸۱: ۱۰۰۴). در سال ۱۲۴۶ق محمد قاسم نانوتوی با تأسیس مدرسه دینی در منطقه دیوبند ایالت آترپرداش هند، پایه‌های جنبش دیوبندیه را بنیان گذاری کرد.

طلبه‌های مدارس دیوبند، که تعداد آن‌ها رو به فزونی گذاشت، رویکردی حدیثی به کلام داشتند و اندیشه‌های سلف و به ویژه ابن تیمیه در این مدارس تدریس می‌شد. منع زیارت قبور؛ نذر برای آنان و برگزاری مراسم تولد و مرگ برای بزرگان دین را جایز نمی‌دانستند. شیخ محمد طیب قاسمی (م ۱۴۰۸) نوه نانوتوی و رئیس چهل ساله دیوبندیه می‌نویسد: «زیارت قبور برای وعظ جایز است اما استغاثه به ارواح اولیا الهی شرک است. تبرک به اماکن مقدسه جایز است اما باید شخص معتقد باشد که این تبرک هیچ تأثیری ندارد. آداب موجود در مراسم ماتم و عزاداری‌ها شرک و بدعت است» (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

این مدارس در پاکستان با سیاست‌های ضیال‌الحق و حمایت‌های مالی عربستان، رشد و گسترش دوچندانی داشت. در سال ۲۰۱۲م تعداد مدارس دیوبندیه در پاکستان ۸۰۰۰ باب بود. یکی از نتایج این مدرسه، شکل‌گیری سازمان تبلیغی «جماعت مسلمانان هند» توسط مولانا محمد الیاس (م ۱۳۶۴ق) است. امروزه معرف گروه حدیث‌گرا و سلفی هند این جمعیت است. مبلغان و طرفداران این سازمان مخالف احترام به قبور، توسل، شفاعت، مراسم تولد امام زمان، عید نوروز می‌باشند و به شدت نسبت به خلفای ثلاثه تعصب دارند. ریش‌گذاشتن و اقامه نماز جماعت از جمله ارکان کار آنان است. ابوالحسن ندوی، شیخ محمد بشیر و شیخ منظور احمد نعمانی از بزرگان این جریان‌اند. مسجد ملک فیصل اسلام آباد که در سال ۱۴۰۸ق تأسیس شد مهد آموزش مبارزان طالبان بود (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۱۶۰). علاوه بر این کارکرد ترویج افراط‌گرایی و تفکرات تندرمانه دیگر وظیفه این مدارس دینی پاکستان است.

تقریب ستیزی دیوبندیه بیشتر تحت تأثیر وهابیت شدت گرفت و گرچه جمعیت آنان در میان مسلمانان پاکستان به مراتب کمتر از بریلوی می‌باشد اما به خاطر قدرت رسانه‌ای و اداری نفوذشان بیشتر از بریلوی‌ها می‌باشد.

مخالفت با تشیع در میان علمای دیوبند به مانند سلفی‌های تندرو عربستان یا مصر نیست و شاید یکی از علل آن تأثیرگذاری صوفیان بر اندیشه‌های دیوبندیان و دیگری استاد شاه ولی‌الله دهلوی یعنی «سیدجلال‌الدین بخاری» از مشایخ سهرودییه باشد که او ارادت خاصی به اهل بیت رسول خدا(ص) داشت و این علاقه به شاگرد او منتقل شد(شرفی، ۱۴۰۲: ۲۷۴). در دوره نخست وزیری ضیاءالحق در پاکستان، مکتب دیوبند به سوی فرقه‌گرایی سوق داده شد. برخی از دیوبندی‌ها تحت عنوان فرقه‌های جمعیت علمای اسلام، لشکر طیبه، لشکر جهنگوی، سپاه صحابه و... به ضدیت با شیعیان روی آوردند.

۴.۲.۵. سپاه صحابه

سپاه صحابه، در سال (۱۹۸۵م) توسط مولوی حق‌نواز جهنگوی در شهر جهنگ ایالت پنجاب پاکستان جهت مقابله با تحرکات شیعیان این کشور تأسیس شد. از جمله اقدامات تقریب‌ستیزانه آنان درخواست تعطیلی حسینیه‌ها و مراکز شیعه پاکستان و منع برگزاری مراسم عزاداری ماه محرم توسط دولت مرکزی است(اسکندری، ۱۴۰۱: ۱۵۸). بر اساس آمار حدود ۳۶۰۰ نفر از شیعیان در فاصله سال‌های (۱۹۹۲-۲۰۰۲م) توسط سپاه صحابه به شهادت رسیده‌اند.

۵.۲.۵. لشکر جهنگوی

لشکر جهنگوی، در شیعه‌ستیزی از سپاه صحابه پیشتازتر است. این لشکر توسط سپاه صحابه و با هدف مقابله با نهضت شیعیان تأسیس شد و به عنوان شاخه نظامی صحابه، بعد از تغییر خط مشی نظامی سپاه صحابه از نظامی به سیاسی و اجتماعی، فعالیت می‌کند. این شاخه در سال (۱۹۹۶م) و با اعلام این که سپاه صحابه در ایدئولوژی خود علیه شیعیان از خط مشی مولانا حق‌نواز منحرف شده است شکل گرفت. آمریکاستیزی، هندستیزی و شیعه و ایرانی‌ستیزی وجه بارز این گروه منفک از سپاه صحابه است. لشکر جهنگو شیعه‌ستیزی خود را محدود به مرزهای پاکستان نکرده است. قتل هزاره‌های افغانستان، شیعیان هندوستان و حمایت از گروهک تروریستی جندالله در بلوچستان ایران از اقدامات فرامرزی آنان است(اسکندری، ۱۴۰۱: ۳۴۱).

۶.۲.۵. تحریک نفاذ شریعت محمدی

گروه تحریک نفاذ شریعت محمدی(نهضت اجرای شریعت محمدی) یک گروه تقریب‌ستیز و افراطی پاکستان مستقر در دره سوات است. این گروه در سال (۱۹۸۲م) توسط مولانا صوفی محمد تأسیس شد. نظام اعتقادی این گروه تلفیقی از وهابیت، دیوبندیه، پشتون‌گرایی، جهادگرایی، بیگانه‌ستیزی، تکفیر و شیعه‌ستیزی است(اسکندری، ۱۴۰۱: ۴۲۷).

۷.۲.۵. طالبان

طالبان، طلبه‌های مدارس دینی دیوبندیه و جمعیت العلمای اسلام پاکستان که زیر نظر مولوی محمد نبی محمدی، یونس خالص از رهبران سلفی جهادی اهل افغانستان و مولوی فضل‌الرحمن و سمیع‌الحق اهل پاکستان

با کمک‌های مالی پاکستان و عربستان سعودی پرورش یافتند می‌باشند. در تشکیل طالبان، محوریت با قوم پشتون بود (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۳۷۵-۳۷۶). طالبان با وعده‌های تطبیق قانون کشور افغانستان با شریعت اسلام و برقراری نظم و امنیتی - که بر اثر جنگ قدرت احزاب سیاسی و اسلامی، فقر اقتصادی، عقب ماندگی فرهنگی، عوامل قومی و حاکمیت مجدد پشتون‌ها بر سریر قدرت، هرج و مرج و فقدان نظم و قانون به همراه فساد در همه ابعاد، کشور را به ورطه نابودی کشانده بود- بعد از عقب‌نشینی نیروهای شوروی در سال (۱۹۹۴م) پا به عرصه وجود گذاشتند و در ۴ اکتبر ۱۹۹۴م اعلام موجودیت کردند. این جریان در کمتر از پنج سال یعنی تا سال (۱۹۹۹م) حدود ۹۰٪ خاک افغانستان را تصرف کردند. البته غیر از موارد داخلی ذکر شده حمایت‌های مادی پاکستان و عربستان سعودی را نباید نادیده گرفت.

طالبان یک گروه یک دست و واحدی نیستند، آنان به شاخه‌های متعددی تقسیم می‌شوند. یکی از شاخه‌های آن «تحریک طالبان پاکستان یا طالبان محلی» است. این گروه ریشه در اندیشه‌های ولی‌الله دهلوی و وهابیت حجازی دارد. این شاخه بیش از آنکه در سطح ملی پاکستان طرفدار داشته باشد، بیشتر در میان قوم پشتون و ایالت خیبر فعالیت می‌کند. ایدئولوژی این فرقه سلفی‌گری، دیوبندیسم، قوم‌گرایی پشتون و طالبانیسم است که آرمان خویش را بر بیگانه‌ستیزی، تشکیل حکومت اسلامی، تکفیر، ضد شیعی بودن، حذف از طریق جهاد و عملیات انتحاری قرار داده‌اند (اسکندری، ۱۴۰۱: ۱۲۲). طالبان جنگ نیروهای خود با شیعیان را نوعی خریدن بهشت معرفی می‌کردند. اندیشه ضد شیعی طالبان ترکیبی از اندیشه‌های ضد شیعی مکتب دیوبندی و وهابی سلفی است. طالبان نسبت به آزار و شکنجه و قتل عام شیعیان افغانستان هیچ کوتاهی نکردند. تنها در یک مورد، حدود ۴۰۰ زن شیعه را به کنیزی به قندهار بردند (رشید، ۱۳۸۲: ۱۲۷). بسیاری از شیعیان را کافر و رافضی خواندند و با این بهانه آنان را قتل عام کردند. از نظر آنان کافر خواندن شیعیان و مبارزه با آنان نوعی جهاد محسوب می‌گردد که کشته شدن در این راه به مثابه خریداری بهشت برای نیروهای طالب است.

۵.۲.۸. داعش

حمله آمریکا به عراق، در سال (۲۰۰۳م) شاخه القاعده در عراق به رهبری «ابومصعب زرقاوی» را فعال کرد. بمب‌گذاری در اماکن عمومی را با نام مبارزه با کفار و آمریکا آغاز کردند. داعش دشمن اصلی خود را شیعیان نامید و مهم‌ترین هدف خود را مبارزه با دولت شیعی عراق معرفی کرد (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۵۱۷). بعد از کشته شدن زرقاوی در سال (۲۰۰۶م)، ابو عمر البغدادی و سپس ابوبکر البغدادی جانشین او گردید و نام القاعده عراق، به «دولت اسلامی عراق» تغییر نام یافت. بعد از مدتی ابوبکر البغدادی با خروج از بیعت القاعده به رهبری ایمن الظواهری، خود دولت مستقلی تحت عنوان داعش که مخفف «دولت اسلامی عراق و شام» بود بنیان‌گذاری کرد. داعش علاوه بر ترویج و انتشار کتاب‌های نواقض الاسلام محمد بن عبدالوهاب، سید قطب،

شیعه‌ستیزی را سرلوحه کارهای خود قرار دادند. بمب‌گذاری در نجف اشرف در سال (۲۰۰۳م) و شهادت سیدمحمدباقر حکیم، رئیس مجلس اعلای عراق و بسیاری از شیعیان از نمونه‌های شیعه‌ستیزی آنان است. شدت خشونت داعش در برخورد با شیعیان و قتل عام آنان، صدای القاعده افغانستان و استاد زرqaوی یعنی ابومحمد المقدسی را نیز در آورد (cordesman, 2006, pp26-1). گروه تکفیری داعش علاوه بر دشمنی با شیعیان، با مظاهر جدید مانند دموکراسی، انتخابات و تفکیک قدرت به شدت مبارزه می‌کنند. آنان را شرک و کفر می‌دانند و تمسک به آنان را نماد شرک و کفر قلمداد می‌کنند. با همین توجیه بود که حدود ۱۵۰۰ نفر از اهل سنت وابسته به ارتش آزاد سوریه را به قتل رساندند. داعش به اعتقاد خود با دو جریان درگیر می‌شوند: عدو قریب یعنی نیروهای تهدیدکننده داخلی و دشمنان خارجی یا عدو بعید. ولی بیشترین درگیری آنان با عدو قریب است. دیدگاه امثالی مانند مودودی، سیدقطب و عبدالسلام فرج چارچوب فکری بسیاری از اسلام‌گرایان سلفی را در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی طراحی و پایه‌ریزی نمودند (بابایی، ۱۳۹۸: ۳۲-۳۳). بازتعریف حکم جهاد از سوی داعش، نه تنها با فقه اهل سنت همخوانی دارد؛ بلکه رویکردی تهاجمی و خشونت‌آمیز به خود می‌گیرد که نمایی از اسلام خشونت‌آمیز را به جهانیان معرفی می‌کند. داعش در دو کشور عراق و سوریه با انجام ترورهای گسترده همراه با خشونت، سربردن و سوزاندن اجساد پیشروی زمینی خود را تسهیل می‌کردند. امروزه هرچند داعش دولت رسمی ندارد یا مانند گذشته نمود مهمی در عرصه بین‌الملل ندارد، ولی شنیدن برخی اخبار از گوشه و کنار منطقه خاورمیانه از این گروه، باعث ایجاد واکنش‌های منفی در میان مسلمانان است.

۹.۲.۵. سلفی‌گری در یمن

سلفی‌گری در میان شیعیان زیدی یمن متأثر از اندیشه‌های ابن تیمیه و ابن وهاب شکل گرفت. این تغییر عقیده از قرن هشتم و نهم قمری توسط ابن‌الوزیر آغاز شد (ابن‌الوزیر، ۱۹۹۴، ج ۱: ۱۱۹). ابن‌الوزیر از طرفداران اندیشه‌های سلفی در یمن (قرن ۹ق)، به رد و نقض افکار زیدیه پرداخت و اندیشه و افکار اهل حدیث اهل سنت و ابن تیمیه را به زیدیه وارد کرد. این جریان در دو قرن اخیر توسط افرادی مانند ابن‌الامیر، از نوادگان امام مجتبی^(ع)، محمدبن‌علی شوکانی و مقبل‌بن‌هادی الوادعی مؤسس مدرسه سلفی «دارالحدیث» در استان صعده به اوج خود رسید. ابن‌الامیر در رساله، «تطهیر الاعتقاد من ادران الالحاد» به تأیید محمدبن‌عبدالوهاب می‌پردازد. زیارت قبور و نذر برای مردگان و طواف قبر را عملی حرام و شرک آمیز معرفی کرد (ابن‌الامیر، ۱۴۱۶: ۳۷). سلفی یمن از نوع «سلفیه زیدیه اعتدالی» است. تفاوت این جریان سلفی با جریان وهابی در آن است که مسلمانانی را که از دید محمدبن‌عبدالوهاب مشرک، مرتد و از دین خارج‌اند، مسلمان و در دایره اسلام قرار می‌دهد.

۱۰.۲.۵. سلفی‌گری در مصر

از دلایل مخالفت سلفیه شمال آفریقا و به‌ویژه سلفی جهادی طرفداران سیدقطب با تقریب را می‌توان به این موارد اشاره کرد: آنان معتقدند هدف شیعه از پروژه تقریب نزدیکی به اهل سنت با عقاید و آرای شیعیان و در نهایت تبلیغ این مذهب و گرائیدن اهل سنت به مذهب شیعه است، توهین به صحابه، آراء و اندیشه‌های ابن تیمیه و به‌خصوص سیدقطب و احتمالاً افزایش جمعیت شیعیان در جهان و به‌خصوص کشور نیجریه با تلاش‌های شیخ زکراکی است. پیدایش جریان سلفی در مصر رویکردی سیاسی جهت مقابله با استعمار بریتانیا داشت. حتی در دوره سیدقطب (۱۹۰۶-۱۹۹۶م) که سلفی‌گری رادیکال شکل گرفت، از نزاع و تفرقه میان مسلمانان امتناع ورزید و هدفش مبارزه با استعمار، سکولاریسم، لیبرالیسم و زدودن استیلای غیرمسلمانان به‌ویژه یهودیان بر مصر بود (پورامینی، ۱۳۹۵: ۸۶). از این رو از نظر ماهیت با سلفی وهابی تکفیری حجاز تفاوت داشت. از آباء سلفی مصر می‌توان به محمد رشید رضا (۱۲۸۲-۱۳۵۴ق) اشاره کرد. او ضمن پایبندی به اندیشه‌های ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب آن دو را ناصر سنت و از بین برنده بدعت می‌نامید (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۸: ۳۶۹).

رشید رضا در تبدیل جنبش اصلاحی سیدجمال و عبده به سلفی‌گری نقش محوری و اصلی را داشت. وی با راه‌اندازی مجله المنار، در واقع در خدمت اندیشه وهابی عربستان قرار گرفت. گسترش تفکر سلفی بعد از رشید رضا در مصر، توسط شاگرد او حسن البناء، مؤسس جمعیت اخوان المسلمین (۱۳۴۷ق) ادامه یافت. البته ناگفته نماند حسن البناء فردی معتدل و عضو دارالتقریب قاهره بود و وحدت اهل سنت و تشیع یکی از آرمان‌های او بود. بعد از ترور البناء، در سال (۱۳۶۸ق) اخوان با تغییر رویکرد از عدم تفرقه‌افکنی بین مسلمانان، اجتناب از جدال‌های مذهبی، یهودستیزی به سیاست طرد و عدم تحمل نظرهای روی آوردند. شکل‌گیری سازمان آزادی بخش اسلام، جامعه مسلمانان و الجهاد متأثر از اندیشه‌های سیدقطب از جمله آنان است.

از درون تفکرات اعتدالی و تقریبی اخوان المسلمین گرایش افراطی هجرت و جهاد سیدقطب سربرآورد. سیدقطب رهبر معنوی اخوان المسلمین در زندان به فردی دارای اندیشه‌ای افراطی تبدیل شد و به حلقه ارتباطی میان اخوان و گرایش‌های افراطی تبدیل گشت. وی واقعیت اجتماعی را تضاد دائمی میان راه اسلامی و جاهلیت می‌دانست. او وضعیت امروزی جوامع اسلامی را مانند دوره جاهلیت قبل از ظهور اسلام می‌دانست که وظیفه مسلمانان برای تغییر این وضعیت دعوت و جهاد برای پیاده کردن احکام اسلامی است. سیدقطب بر تفسیر تحت‌اللفظی برداشت‌های اسلامی و پرهیز از فلسفه‌گری تأکید داشت. وی سعی می‌کرد خداشناسی بنیادگرایانه ابن تیمیه و ابن قیم جوزی را احیا کند. سیدقطب با نگارش کتاب «معالم فی الطریق» نقش مهمی در شکل‌گیری گروه‌های جهادی سلفی تکفیر و هجرت و جامعه الجهاد ایفا کرد (مسجد جامعی، ۱۳۸۵: ۱۶۴-۱۷۰). سیدقطب گرچه در تفسیر و توحید متأثر از ابن تیمیه بود، اما به نقد سلفی وهابی نیز می‌پرداخت و نظر

«توحید القصور» را در برابر «توحید القبور» مطرح کرد و معتقد بود باید به جای تخریب قبرها به تخریب قصرها پرداخت (میشل، ۱۳۸۷: ۷۹). سلفیه جهادی، مبارزان سلفی، الجهاد، جماعت المسلمین (گروه التکفیر و الهجره) به رهبری شکری مصطفی همه ضد تقریب و شیعه متأثر از اندیشه‌های سیدقطب بودند. اخیراً یاسر برهامی نایب رئیس سلفی در مصر که کینه شدیدی علیه شیعیان دارد در سلسله مقالاتی ادعاهایی علیه شیعیان مصر مطرح کرده است تا از این طریق دولت و مردم مصر را علیه آن‌ها تحریک کند. به زعم برهامی که حوادث پشت پرده دوران حکومت اخوان المسلمین بر مصر سال ۲۰۱۲ م را افشا می‌کند، مدعی شده است که اخوان با تروریست‌ها و اندیشه شیعیان در ارتباط بودند و میان اخوان و شیعیان ارتباط نزدیک و ناگسستنی وجود داشته است. او در ادعاهای دیگر خود علیه شیعه گفته است که اخوان تلاش می‌کرد برای نیروهای دولتی که از رئیس جمهور محافظت می‌کنند، جایگزینی پیدا کند و در تلاش بود تا نهادی شبیه سپاه پاسداران ایران برای این منظور تاسیس کند. آنان مدعی‌اند شیعیان به جای عبادت در مساجد در حسینیه‌ها به اموری که به شرک نزدیک است، می‌پردازند. جالب آن است که سلفی‌های مصر دشمن اصلی مصر را نه رژیم صهیونیستی بلکه شیعیان وابسته به ایران می‌دانند (fa.shafaqna.com).

از شخصیت‌های ضد تقریب در میان اهل سنت می‌توان به ناصر بن عبدالله بن علی القفاری مفتی عربستانی، عبدالمنعم النمر، شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل شیخ عربستانی، ناصر بن سلیمان العمر، محمد العریفی، مولانا عبدالعزیز، مولوی نورجمال، طاهر محمود اشرفی اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

- اتحاد و انسجام اسلامی یکی از آموزه‌های اصلی دین اسلام است. آیات قرآن و سیره و سنت نبوی و بزرگان دین همواره بر وحدت و همبستگی تأکید دارند؛ اما متأسفانه در تاریخ اسلام افراد و گروه‌هایی مخالف این امر بودند و همیشه بر طبل اختلاف و دو دستگی کوبیده‌اند.

- گروه‌های مخالف همگرایی اسلامی از گذشته، حشویه، عثمانی‌گری، حنبلی، غلات، تا امروز تاریخ پرفراز و نشیبی را پشت سر گذرانده است. از قرن ۱۹ میلادی به بعد به خاطر تهاجم غرب به سرزمین‌های اسلامی مصر دوران عثمانی، هند، ایران، برخی گروه‌های تندرو اسلامی با بازتعریفی نو از اسلام به منصف ظهور رسیدند که وجه مشترک آنان برگشت به اسلام سلف، خردستیزی و مخالفت با جریان تشیع در اسلام است.

- مخالفان تقریب هرگونه همگرایی با غیر هم‌کیشان خود را غیرممکن می‌دانند و به‌نوعی به وحدت مذاهب، طبق مذهب خود، یعنی همه به کیش آنان در آیند اعتقاد دارند. ادعای مخالفت جریان ضد تقریب در شیعه آن است که اهل سنت با مخالفت با تقریب و شیعه‌ستیزی مانعی برای تبلیغ تشیع است و آن حیل‌ای برای خلط حق و باطل است. ادعای مخالفت جریان ضد تقریب در اهل سنت نیز این موارد است: مذهب تشیع مذهبی خارج از اسلام و ساخته یهود و مجوس است، پدیده غلو در شیعه، سب صحابه، تحریف قرآن، افزایش جمعیت شیعه در جهان و شیعه‌هراسی است.

- ذیل مخالفان تقریب می‌توان در شیعه به شیعه انگلیسی «سیدصادق شیرازی»، ذاکرین پاکستان، روضاتی، رستگار جویباری و اسکندری اشاره کرد و در اهل سنت نیز به سلفی‌های تکفیری، ستیزه‌جو، دیوبندیه مانند سپاه صحابه، جیش الظلم، النصره، طالبان، داعش، القاعده اشاره کرد.

- از مهم‌ترین عوامل تقریب و وحدت اسلامی میان مسلمانان می‌توان به عوامل درون‌دینی (خدا، قبله، پیامبر واحد، قرآن، احکام دینی مشترک مانند نماز، رمضان، حج) و برون‌دینی (اخلاق، قاعده زرین، سرزمین مشترک، منافع و مصالح مشترک، مدنی بالطبع بودن انسان) اشاره کرد.

- با نظر صائب‌تری به سلف نگریم. گاهی منظور از سلف بازگشت به فهم و برداشت سلف از اسلام است که گروه‌های سلفی عربستان، یمن، مصر و هندوستان در زمره آن قرار می‌گیرند که به «سلفیه فهم گرا» معروف‌اند و گاهی منظور از سلف نه بازگشت به فهم سلف از اسلام، بلکه رفتار و اقدام سلف مدنظر است که سیدجمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده ذیل این دسته قرار می‌گیرند؛ یعنی «سلف عمل گرا».

منابع و مآخذ

۱. آذرشب، محمد علی (۱۳۸۴)، پیشینه تقریب، ترجمه رضا حمیدی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
۲. آقائوری، علی (۱۳۸۷)، امامان شیعه و وحدت اسلامی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
۳. آل کاشف الغطا، محمد حسین (۱۴۱۳)، اصل الشیعه و اصولها، بیروت: دار الاضواء
۴. ابن جبرین، عبدالله (بی تا)، دروس للشیخ عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین، ریاض: دروس صوتیه قام بتفریغها، موقع الشبکه الاسلامیه
۵. ابن الامیر، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶)، رساله تطهیر الاعتقاد من ادران الالحداد، عربستان: دانشگاه جدّه
۶. ابن الوزیر، محمد بن ابراهیم (۱۹۹۴)، العواصم و القواصم، بیروت: موسسه الرساله
۷. ابن منظور، محمد بن مکرّم بن علی (۱۴۱۶)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی
۸. احمد، رشید (۱۳۸۲)، طالبان اسلام و نفت و بازی بزرگ، ترجمه نجله خندق، تهران: نشر بقیه
۹. اسکندری، مصطفی (۱۴۰۱)، بازخوانی پرونده تقریب، قم: دار زین العابدین
۱۰. اسکندری، مصطفی (۱۴۰۱)، درآمدی بر جریان شناسی مذهبی پاکستان، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
۱۱. ایزدی، امیر محمد، موسائی، علی (۱۴۰۱)، «تأثیر واگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی بر همگرایی جهان اسلام»، نشریه پژوهش ملل، شماره ۷۵

۱۲. بابایی، مرتضی (۱۳۹۸)، «زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری جریان‌های سلفی- تکفیری در جهان اسلام، راهکارهای مواجهه، چشم‌انداز آینده»، نشریه سیاست پژوهی، شماره ۱۳، دوره ۶
۱۳. بشارتی راد، حسن (۱۳۹۲)، «جریان‌شناسی تقریب»، نشریه جریان‌شناسی دینی معرفتی در عرصه بین‌الملل، شماره ۱
۱۴. بشارتی راد، حسن (۱۳۹۳)، «جریان‌شناسی تقریب»، نشریه جریان‌شناسی دینی معرفتی در عرصه بین‌الملل، شماره ۳
۱۵. بن باز، عبدالعزیز (بی‌تا)، مجموع فتاوی و مقالات متنوعه، ریاض: دارالقاسم
۱۶. بوطی، محمد سعید رمضان (۱۳۷۵)، سلفیه بدعت یا مذهب، ترجمه حسین صابری، مشهد: آستان قدس رضوی
۱۷. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۸۲)، صحیح بخاری، بیروت: دارالفکر
۱۸. پورامینی، محمد باقر (۱۳۹۵)، بنیاد تفکر سلفی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۱۹. تسخیری، محمد علی (۱۳۹۱)، رسالت ما: تقریب در اندیشه‌ها و وحدت در عمل، ترجمه محمد مقدس، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
۲۰. داودی، مجتبی (۱۳۹۶)، کاشف الغطا و تقریب بین مذاهب، قم: موسسه بوستان کتاب
۲۱. دهلوی، احمد بن عبدالرحیم (۱۴۳۱)، حجه‌الله بالغه، حقه سعید احمد بن یوسف، دمشق: دار ابن کثیر
۲۲. رستگار جویباری، یعسوب‌الدین (بی‌تا)، حقیقت وحدت در دین و حکمت عیدالزهراء، قم
۲۳. رشید رضا، سید محمد (۱۳۹۳)، تفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفه
۲۴. روضاتی، میر سید احمد (۱۳۸۷)، گفتگوی یک دانشمند شیعی با یک عالم سنی، تهران
۲۵. زقاقی، احمد (۲۰۰۸)، التقرب بین الشیعه و اهل السنه و تحدیدات الاختلاف و التصحیح، عمان: جدارا للکتاب العالمی
۲۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۴)، استراتژی تقریب مذاهب اسلامی، مجموعه مقالات هجدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
۲۷. حلمی، مصطفی (۱۴۱۶)، قواعد المنهج السلفی فی الفكر الاسلامی، الاسکندریه: دار الدعوه
۲۸. حیدر سرلک، علی محمد؛ حسینی، سیدرسول (۱۴۰۰) «جمهوری اسلامی ایران و لزوم اتخاذ راهبرد تامین مذاهب اسلامی در راستای مهار جریان تکفیر و افراط‌گرایی»، نشریه مطالعات بیداری اسلامی، سال دهم، شماره ۱۴.
۲۹. خیرخواه علوی، سیدعلی (۱۴۰۱)، بررسی تطبیقی رویکرد عثمانیه و ابن تیمیه در نقل گزارش‌های تاریخی صدر اسلام، رساله دکتری، شهریور، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی

۳۰. شرفی، محبوبه؛ نارویی، محمد (۱۴۰۲) «واکاوی رابطه مکتب دیوبند با مذاهب اسلامی در شبه قاره هند»، نشریه سیاست متعالیه. شماره ۴۰
۳۱. شیپری، مریم (۱۳۹۵)، «پان ایسم در خاورمیانه: نگاهی به پان ایرانیسم، پان عربیسم - پان اسلامیسم مطرح شده در دهه ۱۹۶۰م»، نشریه پژوهش‌های علوم تاریخی، شماره ۱۴
۳۲. عارفی، محمد اکرم (۱۳۸۵) شیعیان پاکستان، قم: موسسه شیعه شناسی
۳۳. عبدالوهاب، محمد (۱۴۱۳)، کشف الشبهات فی التوحید، مدینه المنوره: جامعه الاسلامیه
۳۴. علی پور گرجی؛ محمد. شعبانی کیا (۱۳۹۷)، «سلفی‌گری از معنا تا برداشت‌های نادرست مبانی»، نشریه سیاست پژوهی، شماره ۱۰، دوره ۵
۳۵. فرمانیان، مهدی؛ سایر نویسندگان (۱۳۹۵)، سلفیه از گذشته تا حال، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
۳۶. لاپیدوس، ایرام (۱۳۸۱)، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه علی بختیاری زاده، تهران: انتشارات اطلاعات
۳۷. مهریزی، مهدی (۱۳۸۹)، «جریان شناسی تقریب مذاهب اسلامی»، نشریه هفت آسمان، شماره ۴۷. سال ۱۲.
۳۸. محسنی، محمد آصف (۱۳۸۶)، تقریب مذاهب از نظر تا عمل، قم: نشر ادیان
۳۹. مسجد جامعی، محمد (۱۳۸۵)، زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن، قم: نشر ادیان
۴۰. موثقی، سیداحمد (۱۳۸۶)، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: سمت
۴۱. موثقی، سیداحمد (۱۳۹۴)، اندیشه اصلاح و راهبرد وحدت و همبستگی در جهان اسلام، قم: موسسه بوستان کتاب
۴۲. میرتبار، سیدمرتضی؛ عیوضی، یاور؛ نجفی، وحید (۱۳۹۶)، افراط‌گرایی چالش‌ها و راهکارها، قم: انتشارات مکتب اندیشه
۴۳. میشل، ریچارد (۱۳۸۷)، تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز، ترجمه سیدهادی خسروشاهی. تهران: انتشارات وزارت خارجه

44. Cordesman A.H, Burke A.A The Islamists and the Zarqawi Factor. center for sterategic international studies 2006, pp 1-26

45. Fa.shafaqna.com

46. <https://www.hawzahnews.com/news/919695>